



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مترجمه از علی کعبلی فنود

ترجمه از / سید مهدی شجائی

المفارقة  
المحزنة  
المملوءة  
بالمحبة

# ندبه‌های فراق

(ترجمه منظوم دعای ندبه)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ندبه های فراق ترجمه منظوم دعای ندبه

نویسنده:

مهدی شجاعی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	ندبه های فراق ترجمه منظوم دعای ندبه
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸۲	درباره مرکز

## ندبه های فراق ترجمه منظوم دعای ندبه

### مشخصات کتاب

ندبه های فراق

(ترجمه منظوم دعای ندبه)

سراینده / علی کمیلی فنود

ترجمه از / سیدمهدی شجاعی

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

نوبت چاپ / اول، تابستان ۸۸

شمارگان / ۳۰۰۰

صفحه آرا / عباس فریدی

بها / تومان

مراکز پخش:

۱\_ قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲\_ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲

ص: ۱

اشاره

ندبه های فراق

ترجمه منظوم دعای ندبه

علی کمیلی فنود









بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

حمد و سپاس و ستایش از آن خداست، پروردگار جهانیان

ای خدا ای خالق هر دو جهان

صاحب ارض و تمام آسمان

رب ما و مردم، اندر هر زمان

خود سزاوار ثنای بیکران

\*\*\*

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا،

و درود و سلام و تحیت خداوند، بر سید و سرور ما و نبی او محمد و بر خاندان او

رحمت الله بر آقای ما

بر محمد سرور والای ما

هم سلامی بر نبی و آل او

اهل بیت عصمت و اطهار او

\*\*\*

ص: ۵

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ

خدایا سپاس بر آن چه قضا و قدرت برای اولیائت جاری ساخت

بار الها مر تو را باشد سزا

حمد بی حد بهر تقدیر و قضا

چونکه فرمانت بدان جاری شده

از بلا و رنج ها گشته رها

هم به نعمت بوده بنده نزد تو

تا سپاسی گویدت او بارها

\*\*\*

فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ،

آنان که برای خودت و دین خودت خالصشان کردی

دوستانت را تو خالص کرده ای

بهر نفس و دین خود برگزیده ای

\*\*\*

إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلًا مَا عِنْدَكَ ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ،

آنان که نعمت های پایدار و بی زوال خویش را برایشان برگزیدی،

برگزیدی بهر آنان لا محال

نعمت پاینده ات را بی زوال

ص: ۶

\*\*\*

الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اِضْمِحْلَالَ،

در پس عهد و شروطی که به آنان کردی

نیست اضمحلال و نابودی بدان

چونکه باشد آن نعیم جاودان

نعمتی که نیست مر آن را زوال

کم نگردد اصل آن در هیچ حال

\*\*\*

بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الرُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّيِّيَّةِ، وَ زُخْرُفِهَا وَ زِبْرَجِهَا،

با آنان شرط کردی که نسبت به این دنیای فرومایه و زینت ها و نقش و نگارهای آن، بی رغبت بمانند

چونکه بستی شرط با آنان به زهد

تا نباشد در مراتب سر به خود

ترک کن جانا تو این دنیای خوار

سوی زیور ای برادر رو میار

\*\*\*

ص: ۷

فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ

و آنان این شرط را پذیرفتند و تو این وفا و پذیرش را قبول کردی

چون پذیرفتند آن شرط و شروط

تو بدانستی که آنان بر عهود

هم وفا دارند و عامل بر عقود

پس پذیرفتی تو انسان را به جود

\*\*\*

وَ قَرَّبْتَهُمْ، وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ، وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ،

و آنان را مقرب درگاه خویش ساختی نام و یاد و مرتبه شان را رفعت و درخشش بخشیدی

پس مقام قرب کردی شان عطا

پیش دادی یاد برتر با ثنا

تا بود ذکر علی در روزگار

موجب شکر و ثنای آشکار

\*\*\*

وَ أَهْبَطَتْ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتُكَ،

و ملائک را بر آنان فرود آوردی

هم فرستادی ملائک بر ملا

ص: ۸

از سما بهر حفاظت از بلا

هم نزول هر فرشته رحمت است

آمدن شان بهره مند حکمت است

\*\*\*

وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَعْدِكَ وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ،

با وجود خویش کرامتشان بخشیدی، با علم خویش،

با نزول وحی کردی سرفراز

باب علمت هم بر آنان گشته باز

این مدینه علم احمد بر علی

تا علی باشد دری بر در گهی

\*\*\*

وَ جَعَلْتَهُمُ الدَّرِيْعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيْلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ،

پیوسته یاورشان شدی و آنان را وسیله ای به سوی خویش و نیل به خشنودی و رضای خویش قرار دادی

ساختی هر یک ذریعه سوی خویش

آن وسیله بهر رضوانت ز پیش

\*\*\*

فَبَعْضُ أَسْكَنتَهُ جَنَّتكَ، إِلَى أَنْ أُخْرِجَتْهُ مِنْهَا،

خدای من! از این اولیاء کسی را در بهشت سکنی دادی

و سپس از آن جا راندی

شخص آدم جای دادی در جنان

چون تخلف کرد راندی شان ز آن مکان

\*\*\*

و بَعْضُ حَمَلَتْهُ فِي فُلْکِکَ، وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلْکَةِ بِرَحْمَتِکَ،

کسی را سوار بر کشتی ات کردی و به همراهی مؤمنانش نجات بخشیدی، به رحمت خویش

هم فرستادی ملائکک بر ملا

از سما بهر حفاظت از بلا

نوح را بردی به کشتی نجات

از هلاکت رست مومن با برات

\*\*\*

و بَعْضُ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِکَ خَلِیلاً،

کسی را به دوستی و رفاقت خویش برگزیدی

سومی را بهر خود کردی خلیل

حق پرستان را به راه تو دلیل



\*\*\*

وَ سَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا،

و او از تو بیان صداقت طلب کرد در میان آیندگان و تو اجابت فرمودی و برتری بخشیدی

چون خلیت خواست نامی صدق و راست

با اجابت نام نیکویش به پاست

آتش نمرود از بهر خلیل

شد گلستان از عطایت ای جلیل

انبیا در نسل او دادی قرار

چونکه بد شایسته این افتخار

آن چنان در راه حق شد استوار

تا که فرزند آورد بهر نثار

\*\*\*

وَ بَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرِهِ تَكْلِيمًا،

با یکی شان از میان درخت سخن گفتی.

چون به موسی از شجر گفتی کلام

یافت زین نعمت کلیم الله نام

\*\*\*

وَ جَعَلَتْ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذْءًا وَ وَزِيرًا،

و برادرش را یاور و وزیرش قرار دادی

گفت هارون در بر موسی وزیر

هم برادر بود هم یار و مشیر

\*\*\*

وَ بَعْضُ أَوْلَادَتِهَا مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَ آتَتْهُ الْبَيِّنَاتِ، وَ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

یکی از این ها را بی هیچ پدری آفریدی و به او بینات بخشیدی و با روح القدس به یاری اش آمدی

بی پدر دادی تو مریم را پسر

معجزی بوده زخلاق بشر

بیناتی داد عیسی را مگر

تا نماید خلق بر وی یک نظر

گر و را روح القدس باشد معین

بی شک ارشادش بود هم رنگ دین

\*\*\*

وَ كُلُّ شَرَعَةٍ لَهُ شَرِيعَةٌ، وَ نَهَجَتْ لَهُ مِنْهَا جَاءًا،

و برای هر کدام از اولیائت شریعتی وضع کردی و راه و روشی قرار دادی

هر نبی باشد شریعت را معین

ص: ۱۲

انتخابش بوده از بهر همین

\*\*\*

وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ،

و اوصیائی برگزیدی تا یکی پس از دیگری نگهبان راه تو باشند و در همه زمان ها علم دین تو را افراشته نگاه دارند

برگزیدی اوصیاء باوقار

هر یکی در یک زمان در راس کار

تا بود نوبت به نوبت برقرار

تا بگردد امر دین بر یک قرار

\*\*\*

وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ

و راهنمای تردید ناپذیر بندگان تو باشند

حجت خالق به مخلوق خدا

بر صراط مستقیمش رهنما

\*\*\*

ص: ۱۳

وَلَيْلًا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

مبادا که حق از جایگاه خویش فرو بغلند و باطل بر اهل حق چیرگی بیابد

تا که حق زائل نگردد از محل

صاحب حق نیست مغلوب دغل

\*\*\*

وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا،

مبادا کسی بگوید: اگر برای ما رسول بیم دهنده ای می فرستادی

تا نگوید کس چرا از بهر ما

نافرستادی رسول و رهنما

\*\*\*

وَأَقَمْتَنَا لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَتَّبِعْ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى،

و برای ما پرچم هدایت بر می افراستی، ما دل می دادیم و پیروی می کردیم پیش از آن که خوار و رسوا شویم

پس چرا برپا نداشتی پرچمی

تا بود آیت ز امر محکمی

خواستی انسان نگردد خوار و زار

امر امت را چنین دادی مدار

\*\*\*

إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَيْتَهُ، سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ،

خدایا! در سلسله پیامبران، کار را با دوست و محبوب نجیبیت محمد (ص) به پایان بردی و او همچنان که تو می خواستی،  
برترین آفریده تو بود

امر ارسال رسل بر بندگان

منتهی با خاتم پیغمبران

جود و احسانت بر ابناء بشر

با حییت احمد خیر البشر

ختم فرمودی رسالت را به او

هم ز جود خود شفاعت را به او

\*\*\*

وَ صَفْوَةٍ مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَ أَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ،

و برگزیده برگزیدگان و کریمترین کسی که به او اعتماد کردی

هم صفی هم برترین در اجتباء

بندگان کردند بر او اقتدا

ز انبیا دادی به او جمله صفات

از طفیلش خلق کردی کائنات

\*\*\*

قَدَّمْتُهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتُهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتُهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ،

او را بر پیامبرانت رجحان دادی؛ و به سوی تمامی بندگانت از جنس و انس برانگیختی؛ و شرق و غرب عالم را در زیر پایش گذاشتی؛

برتری دادی و را بر انبیا

بعث فرمودی به جمله اصفیا

پهن کردی شرق و غرب ای ذوالجلال

زیر پای احمد نیکو خصال

\*\*\*

وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ

و «براق» را مسخر او کردی

چونکه امر حق بر او شد استوار

بر براقش کردی آن لحظه سوار

\*\*\*

وَ عَرَّجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كُنَّ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ،

و روحش را به معراج آسمانت بردی؛ علم بودنی ها و شدنی ها تا انتهای خلقت را به او سپردی

پیکر و روحش به سوی آسمان

ص: ۱۶

کرد معراجی در آفاق جهان  
شد مقام قاب قوسین وادی اش  
کل آگاهی عالم دادی اش  
هیچ مجهولی بر او مبهم نماند  
بهر حل هیچ مشکل در نماند

\*\*\*

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ،

به رعب یاریش کردی  
یاریش کردی که با ایجاد ترس  
هرگزش فاتح نباشد هیچ کس

\*\*\*

وَ حَفَفْتَهُ بِجِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، وَ الْمَسُومِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ،

و او را در میان بال های جبرئیل و میکائیل و فرشتگانت گرفتی

پس در آوردی به گردش میکئیل

هم ملازم با ملائک جبرئیل

از برای حفظ جان مصطفی

حلقه ای بستند با اذن خدا

\*\*\*

و وَعَدْتَهُ أَنْ تُطَهِّرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

و به او وعده دادی دینش را بر تمام دین ها پیروزی آشکار ببخشی، اگر چه مشرکان نپسندند

وعده کردی بر رسول آخرین

تا کنی دینش مسلط بعد از این

بر همه ادیان عالم در جهان

گر چه بد ناخوش به نزد مشرکان

\*\*\*

وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ،

و این ها همه پس از آن بود که در خاندان صدق و صفا جایگاهش دادی

چونکه او را شهر مکه خانه شد

خانه اش پاک از بت و بتخانه شد

\*\*\*

وَ جَعَلْتَهُ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ، لَلَّذِي بَيْنَكَ مَبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ،

و برای او و پیروانش، کعبه را بنیان نهادی؛ اولین خانه ای که در مکه مبارک است و برای مردم تأسیس شد و مرکز هدایت جهانیان

گردید

هم نخستین خانه زان عالمین

ص: ۱۸



خانه کعبه بود بر متقین

\*\*\*

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا،

در آن خانه، آیات روشن توست و مقام ابراهیم و هر که بدان ورود بیابد در امان است

جای ابراهیم آیات مبین

قبله امن و امان مسلمین

\*\*\*

وَقُلْتَ: إِنَّمَا يُرِيْدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا،

و گفتی: «خداوند اراده کرده است که هر چه بدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاکیزه و منزّه گرداند»

وحی فرمودی به قرآن مجید

یا محمد ده به اهلت این نوید

پاک کردم از عطا و جود خویش

جسم و جان جمله را از هر پلید

\*\*\*

ص: ۱۹

ثُمَّ جَعَلْتُ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا، إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى

و سپس پاداش محمد (ص) را از مردم، مودتشان با اهل بیت او قرار دادی و گفתי: «هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، مگر مودت خویشاوندانم».

باز فرمودی به ختم انبیا

مسلمین را گو نخواهم از شما

بر رسالت های خود اجر و بها

جز مودت بهر خویش و اقربا

\*\*\*

وَقُلْتُ: مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ

و گفתי: «این پاداش که من می طلبم، باز به سود شماست»

وحی فرمودی به قرآن کریم

اجر و مزد امت باشد عظیم

\*\*\*

وَقُلْتُ: مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ، إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا،

و گفתי: «اجری از شما نمی خواهم جز این که راهی به سوی پروردگار خویش بجوید»

باز فرمودی به قرآن کریم

هر که خواهد ره صراط مستقیم

ص: ۲۰

راه حب اهل بیت است این طریق

هر که بگزیند جز این نبود رفیق

\*\*\*

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ،

خدایا! همین اهل بیت راه به سوی تواند و مسیری که منتهی به رضای تو می شود

مزد پیغام آوری کرده ادا

با تو ره یابد به جنات نعیم

\*\*\*

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْدِرَ، وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ،

خدایا! آن گاه که ایام پیامبرت سپری شد، علی ابن ابیطالب را به ولایت و انداز و هدایت مردم برگزیدی، درود تو بر این مرد و خاندانشان، آری هر مردمی را رهبری است و علی به فرمان تو و پیامبرت به رهبری ملت اسلام برگزیده شد

چونکه دوران پیامبر شد تمام

در غدیر خم حضور خاص و عام

آن زمان منذر بداده این خبر

ابن عمش افضل خیر البشر

ص: ۲۱

بهر هر جمعیتی هادی بود

هم علی بر شیعیان ناجی بود

\*\*\*

فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ،

پیامبر در میان انبوه جمعیت فریاد زد: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست

گفت هر کس را منم مولی و یار

بعد من باشد علی در هر دیار

هر که را مولی منم مولی علی است

جانشین احمد است و او ولی است

\*\*\*

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ،

خدایا دوست بدار هر که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که با علی دشمنی می کند

بار الها دوستانش دوست دار

دشمنانش را نما تو خوار و زار

\*\*\*

ص: ۲۲

وَأَنْصُرَ مَنْ نَصَرَهُ، وَآخُذْ مَنْ خَذَلَهُ،

یاری کن تو هر آن کس را که به یاری علی بر می خیزد و خوار بگردان هر کس که علی را خوار می خواهد»

هر که را او می شود غمخوار و یار

یاور و یارش تو باش ای کردگار

یا رب آنکس کو بود وی را عدو

خواری اش ده واگذارش بر خود او

\*\*\*

وَ قَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِي أَمِيرُهُ،

و پیامبرت فرمود: «هر کس من پیامبر او هستم، پس این علی امیر اوست».

گفت هر کس را منم مولا و دوست

ابن عم من علی مولای اوست

/ وَ قَالَ: أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ،

و فرمود: «من و علی از یک درختیم

گفت ای مردم من و شیر خدا

یک درختیم و نئیم از هم جدا

\*\*\*

وَ سَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى،

و دیگر مردمان از درخت های گوناگون»

مردمان اند از درختان دگر

این بود حکم قضا امر قدر

\*\*\*

وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى،

و پیامبرت جایگاه علی را بسان جایگاه هارون در کنار موسی قرار داد

همچو موسی را که بد هارون ولی

از برای من وصی باشد علی

\*\*\*

فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى،

و فرمود: «تو برای من به منزله هارونی برای موسی

پس بفرمود آن رسول نامدار

با علی آن جانشن گلعدار

گر بود هارون برادر با کلیم

زین بعد این نسبت برایت ای حمیم

\*\*\*

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،

جز آن که پس از من پیامبری نیست»

بعد من نبود وصی الا علی

بهر ابناء بشر دیگر نبی

\*\*\*

و زَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

پیامبرت دختر خویش، بانوی زنان عالم را به ازدواج علی در آورد

دخترش زهرا به امر کردگار

گشت زوج آن ولی نامدار

\*\*\*

و أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ،

و از مسجد خویش برایش حلال کرد آن چه را که حلال کرد

هر حلالی بود جایز بر نبی

هم روا بد بر ولی یعنی علی

\*\*\*

و سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ،

و هر دری را جز در خانه علی به سوی مسجد، مسدود کرد

هر در مسجد بر اصحاب دیار

ص: ۲۵

بست الا باب آن والا تبار

\*\*\*

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ،

سپس علوم و حکمت های خویش را به او ودیعت داد

علم خویش و حکمتش را آن نبی

یکسره دادی به دامادش علی

اسوه ثانی امین استوار

در کلام حق ولی کردگار

\*\*\*

فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا،

و فرمود: «من شهر علم هستم و علی آستانه آن است

پس بفرمود ای گروه حق پرست

شهر علم من علی آن را در است

\*\*\*

فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا،

هر که طالب ورود به شهر علم و حکمت است باید سر بر آستانه بساید»

شرط وارد گشتن اندر شهر علم

ص: ۲۶



این در است ای طالبان بحر علم

\*\*\*

ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَحْيَى وَوَصِيِّي وَوَارِثِي،

سپس به علی فرمود: «تو برادر منی! تو جانشین منی! تو وارث منی!

دست او بگرفت و فرمود این سخن

هر دو یک روحیم اندر دو بدن

چون اخوت در مسلمانی بود

پس علی تسلیم رحمانی بود

هم سزاوار وصایت باشد او

وارث علم و امامت باشد او

\*\*\*

لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَ دَمُّكَ مِنْ دَمِي، وَ سِلْمُكَ سِلْمِي، وَ حَرْبُكَ حَرْبِي،

گوشت تو، گوشت من است و خون تو خون من! صلح تو صلح من است و جنگ تو، جنگ من

گوشت و خون تو همانند من است

صلح و جنگت هر دو از پند من است

\*\*\*

وَالْإِيمَانَ مُخَالَطُ لَحْمِكَ وَ دَمِّكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي،

ایمان، آمیخته با گوشت و خون توست، همچنان که با گوشت و خون من آمیخته است

گفت پیغمبر که ایمان بر خدا

کی توان شد از شه مردان جدا

گوشت و خون ما به هم آمیخته است

و اندر آن نور الهی ریخته است

\*\*\*

وَ أَنْتَ عَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي،

و تو فردا در کنار حوض کوثر، نماینده منی،

روز محشر ساقی کوثر علی است

جای من بر مومنین رهبر علی است

\*\*\*

وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي،

دیون من را تو می پردازی و وعده های من را تو وفا می کنی

دین من را می کنی جمله ادا

وعده هایم را تو بنمائی وفا

\*\*\*

وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، مُبَيَّنَّةٌ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي،

شیعیان تو، روسفیدان قیامت اند که در اطراف من و همسایگی من بر منبرهایی از نور تکیه می زنند؛

شیعیانت روی منبرهای نور

لحظه ای از من نمی گردند دور

\*\*\*

وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي،

یا علی! اگر تو نبودی، مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند»

گر نبودی بعد من همچون علی

مومن از کافر نمی شد منجلی

\*\*\*

وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَ نُورًا مِنَ الْعَمَى،

آری خدای من! علی پس از پیامبرت تنها معیار تشخیص حق از باطل بود، هدایت از گمراهی و نور از ظلمت.

عارف راه هدایت از ضلال

فارق نقص است از راه کمال

\*\*\*

ص: ۲۹

وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ،

او ریسمان محکم خدا بود و صراط مستقیم او

رشته مستحکم و حبل متین

نیست جز راه حق و دین مبین

\*\*\*

لَا يُسَبِّقُ بَقَرَاتِهِ فِي رَحِمٍ، وَلَا سَابِقَهُ فِي دِينٍ،

هیچ کس در خویشی و نزدیکی با پیامبر بر او سبقت نگرفت، هیچ کس در سابقه دینداری از او پیش نیفتاد

در نسب نبود از او نزدیکتر

نیست در دین سبقتی زو پیشتر

در قرابت ابن عم و صهر اوست

یار پیغمبر به صبح و ظهر اوست

\*\*\*

وَلَا يُلْحِقُ فِي مَنْقَبِهِ مِنْ مَنَاقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا،

و هیچ کس در فضایل و مناقب به پای او نرسید، پا، جای پای پیامبر می گذاشت

مثل او در منقبت نبود بدیل

حذو او باشد رسول بی بدیل

رحمت حق بر رسول و آل او

ص: ۳۰

دور بادا رنج از احوال او

\*\*\*

و يُقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ،

و پای اصول قرآن می جنگید. درود خدا بر او و پیامبر و خاندانشان

در قبال انحراف از راه دین

بهر تاویلش به احکام مبین

می بجنگید آن ولی مومنین

چونکه بودی همچو پیغمبر امین

\*\*\*

وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

در مسیر خدا سرزنش کنندگان را به چیزی نمی گرفت

گر که دشمن سرزنش کردی و را

سرزنش مدح است در راه خدا

\*\*\*

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ،

راه دلاوران عرب را در مقابل پیامبر برید. قهرمانانشان را کشت و گرگ هایشان را به بند کشید

در ره حق خون گردن کش بریخت

ص: ۳۱

رشته ابطال را از هم گسیخت

گر گهای گله کفار دین

گشت نابود از وصی اولین

\*\*\*

فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا، بَدْرِيَّةَ وَ خَيْبَرِيَّةَ وَ حُنَيْنِيَّةَ وَ غَيْرَهُنَّ،

و بر دل هایشان داغ کینه بدر و خیبر و حنین گذاشت.

راه حق را پیشوا و رهنما

هم میباشد لحظه ای از ما جدا

مرد اول او به دین حق قبول

نیست او را مثل و مانند شما

بهر حفظ دین حق، او بارها

سر به کف آماده دار بقا

کرده قلع و قمع کفار عرب

مجری دستور حق از ابتدا

غزوه بدر و حنین و خیبرش

زین شجاعت تاج عزت را سزا

\*\*\*

فَأَضَبْتُ عَلَى عَدَاوَتِهِ، وَ أَكْبْتُ عَلَى مُنَابَذَتِهِ،

با او از در عداوت در آمدند و بنای مخالفت گذاشتند

مرتدان را کینه در دل شد شدید

خضم او گشتند و دشمن شد پدید

\*\*\*

حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ

تا این که پیمان شکنان را کشت، پوزه جباران را به خاک مالید و ستمگران و خروج کنندگان از دین را به قتل رسانید.

ناکثین پیمان شکن بودند نیز

قاسطین با حق بدند اندر ستیز

مارقین خارج ز دین در نهروان

دشمن اسلام و یار مرتدان

بر ولی اش فتنه ها انگیختند

حق و باطل را به هم آمیختند

\*\*\*

وَلَمَّا قَضَىٰ نَجْبَهُ، وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ،

وقتی اجل او سرآمد و به دست شقی ترین مردم روزگار، به شهادت رسید،

چون علی آن هر سه را در هم شکست

دوره عمرش به ظاهر در گذشت

تا به همدستی اشقی آخرین

خون پاکش ریخت ناحق بر زمین

پیروی بنمود ز اشقی اولین

ناقه پی کن بود و از اعدای دین

\*\*\*

لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ،

دیگر امر پیامبر (ص) اطاعت نشد؛ آن چه او درباره رهبران پس از خویش گفته بود به فراموشی سپرده شد.

آن سفارش ها که کردی مصطفی

از برای نیکویی بر اقربا

جمله را کردی فراموش از جفا

گشته منکر ز ابتدا تا انتها

\*\*\*

وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمِهِ، وَإِفْصَاءِ وُلْدِهِ،

اکثریت مردم بر دشمنی با هدایتگران خویش پای فشرده اند و علیه خویشی و خویشاوندان پیامبر متحد شدند،

متحد بر غصب حق اعداء دین

با کمال دشمنی و غدر و کین

بهر قتل نسل خیر الانبیا

ص: ۳۴



متفق گشتند جمله اشقیا

إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِيعَائِهِ الْحَقَّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَ أَقْصِيَ مَنْ أَقْصِيَ،

مگر عده کمی از مردم که وفادار ماندند و حق اولاد رسول را رعایت کردند تا آن که به ظلم ستمکاران، گروهی کشته و جمعی اسیر و دور از وطن شدند،

حامیان کاندک بدند اندر وفا

یا شدی تبعید یا گشتی فنا

جمع دیگر شد اسیر خصم دون

این روش نبود روا بر اولیا

\*\*\*

وَ جَزَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ،

و تقدیرها آن چنان بر اهل بیت جاری شد که به نیک ترین پاداش ها دست بیابند،

حامیان مشمول الطاف حق اند

چون طرفدار ولی مطلق اند

زین سبب دارند امید از خدا

اجر نیکو آنچه جاری شد قضا

\*\*\*

ص: ۳۵

إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ، يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ،

چرا که: زمین از آن خداست و آن را به هر که بخواهد از بندگان خویش می سپارد و عاقبت از آن پرهیزگاران است.

چون زمین باشد از الله احد

هر که را خواهد خدا ارشش دهد

وارثانش بندگان نیک کار

متقین را باغ جنت چشمه سار

\*\*\*

وَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا، وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،

منزه است پروردگار ما، وعده او حتمی است و خلاف نمی پذیرد و او عزیز و حکیم است ...

پاک رب ما علی العرش العظیم

وعده فرمودی به قرآن کریم

چون نمی باشد نویدش دشمنی

وعده اش باشد مسلم کردنی

او خداوندی است رحمان و رحیم

هم عزیز است و حکیم است و علیم

\*\*\*

فَعَلِيًّا طَائِبٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا،

بر این پاک طینتان از اهل بیت، بر این گلهای بی نظیر باغستان پیامبر،

پس بیائید ای گروه شیعیان

اهل بیت پاک را ای حامیان

اهل بیتهی که خدا فرمود است

بر محمد هم علی رحمت عیان

\*\*\*

فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ

گریه کنندگان باید بگریند،

بر مصیبت های آنان روز و شب

اشک ریزان با هزاران سوز و تب

\*\*\*

لَيُنْدِبِ النَّادِبُونَ، وَلَيَمِثْلُهُمْ فَلْتُدْرِفِ الدُّمُوعُ،

ناله کنندگان باید ضجه سر دهند، اشک ها باید روان شوند،

نادبون بس ناله و افغان کنند

یاد مظلومی مظلومان کنند

شیون و زاری و چشم اشکبار

دیده خون، دل غرق ماتم، بیقرار

\*\*\*

وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَ يَصِحَّ الضَّالُّونَ، وَ يَعْجِ الْعَاجُونَ،

فریاد ها باید به آسمان پرکشند، ضجه ها باید زمین را بشکافند، مویه ها باید در گوش روزگار بیچند، صیحه ها باید فلک را بسوزانند.

صارخون فریاد از دل برکنند

لعنت حق بر جفا کاران کنند

بانگ می دارند با زاری و آه

که کجایند رهبران دین ما

\*\*\*

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ،

کجاست حسن؟ کجاست حسین؟ کجاست فرزندان حسین؟! که شایسه ای بودند در پی شایسته ای، راست گفتاری در پی درست کرداری،

کو حسن آن سید اهل جنان

کو حسین آن سرور آزادگان

زادگان صادق میر عرب

صالحان و صادقان در نزد رب

آن حسین کو حق پرستی زنده کرد

رادمردی در جهان پاینده کرد

زور و زر را او ز قدرت بنده کرد

دین حق با بذل جان تابنده کرد

با نثار مال و جان و یاوران

زنده کرد رادمردی در جهان

ظالمان را کرد منفور زمان

تا ابد نام حسین شد جاودان

\*\*\*

أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرُ بَعْدَ الْخَيْرِ؟

راهی از پس راهی و مشعلی به دنبال مشعلی، پرچم هدایتی در امتداد رایتی و برگزیده ای به تبع برگزیده ای.

در کجایند رهبران راه دین

آن بزرگان نکونام گزین

\*\*\*

أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الرَّاهِرَةُ؟

کجایند آن خورشید های تابان؟ کجایند آن ماه های درخشان؟ کجایند آن ستارگان شکوفان؟

در کجایند شمس و اقمار منیر

اختران نورافشان کثیر

\*\*\*

أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ، وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟

کجايند پرچم های دين و ستون های علم؟

کو کجا هستند آن آیات دين

رهبران دين حق و متقين

گو کجايند پایه های دين حق

هر یکی از ديگری برده سبق

\*\*\*

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُوْا مِنْ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ؟

کجاست آن بقیة خداوند که از عترت رهنما تهی نمی گردد؟

ماندگار لطف ایزد در جهان

آنکه با فرمان خالق شد نھان

گر چه در ظاهر نھان از دید ماست

لیک در باطن عیان در چشمهاست

در کجا باشد شه کون و مکان

قطب عالم حضرت صاحب زمان

آنکه از نسل رسول مرسل است

زاده مولا علی و رهبر است

\*\*\*

أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلمَةِ؟

کجاست آن مهیای انداختن نسل ستمگران؟

بهر قطع ریشه استمگران

هست پیوسته مهیا در جهان

\*\*\*

أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامِهِ الأُمَّتِ وَالْعَوَجِ؟

کجاست آن محبوب آمدنی که کژیها را سامان بخشد و کاستی ها را جبران می کند؟

قائم آل محمد در کجاست

آنکه عالم از وجود او به پاست

منتظر تا ضعف و شک و اختلاف

برطرف سازد به کلی انحراف

\*\*\*

أَيْنَ الْمُؤْتَجَى لِإِزَالَةِ الجورِ وَالْعُدْوَانِ؟

کجاست آن فجر سرزدنی، آن خورشید درخشیدنی، آن امید آمدنی که ظلمت یلدای ستمگران را پایان می بخشد.

محو سازد جور و عدوان در زمین

عدل باشد ضامن دنیا و دین

مر ضعیفان را پناه و یار اوست

ص: ۴۱

دین حق را یاور و غم خوار اوست

\*\*\*

أَيُّنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟

کجاست آن ذخیره ای که فریضه ها و سنت های خداوند را باز می نمایاند؟

آنکه کرد او را ذخیره روزگار

تا کند احکام دین را آشکار

\*\*\*

أَيُّنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟

کجاست آن برگزیده ای که دین و شریعت را باز می گردانند؟ کجاست آن آرزوی برآمدنی که قرآن و حدود را زنده می کند؟

آنکه را حق داده قدرت اینچنین

بازگرداند ز نو احکام دین

آرزو داریم آیات مبین

زنده گردد یک زمان در این زمین

\*\*\*

ص: ۴۲



أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ؟

كجاست آن حیات بخش نشانه های شریعت و اصحاب دین؟ کجاست آن شکننده شوکت متجاوزان؟

آنکه باشد زنده کن آثار دین

در کجاست تا بشکند نیروی کین

\*\*\*

أَيْنَ هَادِمِ أَيْتِيهِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ؟

كجاست آن ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجاست آن بنیان کن اصحاب فسق و فجور و عصیان و طغیان؟

در کجا باشد براندازد بنا

شرک و کفر و سرکشی، ظلم و گناه

\*\*\*

أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ العُغْيِ وَالشَّقَاقِ؟ أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الرِّبْعِ وَالْأَهْوَاءِ؟

كجاست آن که شاخه های گمراهی و تفرقه را درو می کند؟ کجاست محو کننده جای پای گمراهی و هواپرستی؟

برکننده ی شاخه های اختلاف

هم ضلالت ها و گفتار خلاف

\*\*\*

أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيْنَ مُبِيدِ الْعُنَاهِ وَالْمَرَدَةِ؟

کجاست آن که ریسمان های دروغ و افترا را قطع می کند؟ کجاست آن که متکبران و متمردان را به خاک سیاه نیستی می نشاند؟

قطع سازد بند کذب و افترا

هم کند گردن کشان خوار و فنا

همچنین با دست او استمگران

نیست گردند و بماند نام شان

\*\*\*

أَيْنَ مُشْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟

کجاست آن که ریشه های اهل عناد و گمراهی و کفر را از خاک هستی می کند؟

آنکه بیچاره کند اهل عناد

از مضل و ملحد و جمعی عباد

\*\*\*

أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ، وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ؟

کجاست آن عزت بخش یاران و خوار کننده دشمنان؟

آنکه عزت می دهد محبوب را

پس به ذلت می کشد مغضوب را

\*\*\*

أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؟ أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟

کجاست آن که همه را حول محور تقوا جمع می کند؟ کجاست آن دروازه خداوندی که ورود از آن میسر می شود؟

گفتگو را کرده در تقوا تمام

باب حق باشد برای خاص و عام

\*\*\*

أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟

کجاست آن جمال وجه الهی که اولیاء بدان روی می کنند؟

آن وجهی که با یاران مدام

فکرشان معطوف در هر صبح و شام

از وجودش شد زمین آراسته

الفت اهل رضا را خواسته

\*\*\*

أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟

کجاست آن راه میان زمین و آسمان؟ آن پیوند میان فرش و عرش؟

این زمین و آسمان پیوسته زوست

دین حق پرتوش پیرسته زوست

رابط بین زمین و آسمان

ص: ۴۵

کو که آرد آنچه هست اندر زمان

\*\*\*

أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَأْيِهِ الْهُدَى؟

کجاست آن علمدار هدایت و صاحب لوای روز فتح؟

صاحب روز ظفر این دم کجاست

ناصب و بر پا کن پرچم کجاست

\*\*\*

أَيْنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؟

کجاست آن وحدت بخش مصلحت های پراکنده و رضایت های از هم گسیخته؟

مصلح حال پریشان ها کجاست

مرهم دل خسته انسانها کجاست

\*\*\*

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ؟

کجاست آن منتقم ستم های بر پیامبران و پیامبرزادگان؟

طالب خون رسولان در کجاست

دادخواه ظلم بر آنان کجاست

ص: ۴۶

\*\*\*

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟

کجاست آن خونخواه کشته کربلا؟

زاده پیغمبر و میر عرب

در کجا باشد که بنماید طلب

خون پاک کشتگاه کربلا

جان نثاران، تشنه کامان ولا

\*\*\*

أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اِعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى؟

کجاست آن یاور پیروزمند محکومان و ستمدیدگان و تکذیب شدگان؟

در قبال اتهام دشمنان

ناصر او خالق هر دو جهان

\*\*\*

أَيْنَ الْمَضْطَّرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى؟ أَيْنَ صَدْرُ الْخَالِئِ ذُو الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى؟

کجاست آن مضطری که هر گاه دست به دعا بردارد، میوه اجابت می چیند؟ کجاست آن صدر نشین کوی آفرینش؟ آن

خوبی مجسم؟ آن تقوای محض؟

داعی الله بر بیچارگان

تاج سر بر بهترین بندگان

ص: ۴۷

چون نماید تو دعا مقبول حق

بر و تقوا برترین اوصاف خلق

\*\*\*

أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى؟ وَابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى؟ وَابْنِ خَدِيجَةَ الْعُرَاءِ؟ وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟

کجاست فرزند پیامبر مصطفی؟ کجاست فرزند علی مرتضی؟ کجاست فرزند خدیجه غراء؟ کجاست فرزند فاطمه کبری؟

او که پور مصطفی باشد یقین

نسل آل مرتضی باشد یقین

جده اش باشد خدیجه اینچنین

فاطمه خیر النساء نازنین

نور چشم خاتم پیغمبران

بارالها کی شود بر ما عیان

\*\*\*

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى،

پدر و مادرم به فدایت و جانم سپر بلایت!

هم پدر هم مادرم قربان تو

ای همه جانها بلا گردان تو

\*\*\*

يَا بْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ،

ای فرزند سروران مقرب! این فرزند کریمان مهذب!

ای پسر ای صدر سادات جلیل

نسل تو باشد ز مردان اصیل

\*\*\*

يَا بْنَ الْهُدَاهِ الْمُهْدِيَّيْنَ، يَا بْنَ الْخَيْرِ الْمُهْدِيَّيْنَ

ای فرزند رهبران ره یافته! ای فرزند برگزیدگان پیراسته!

ای پسر بر هادیان نیک رو

زاده خیر البشر آن نیک خو

\*\*\*

يَا بْنَ الْغَطَارِفِ الْأَنْجِيَّيْنَ، يَا بْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِيْنَ،

ای فرزند رادمردان فتوت پیشه! ای فرزند پاک مردان آراسته!

پور بخشنده ترین بخشندگان

پاکتر فرزند از آزادگان

گر چه پاکی وه بزرگی در مهان

نیست کامل وصف تو با صد زبان

\*\*\*

يَا بْنَ الْخَضَارِمِ الْمُتَّجِبِينَ، يَا بْنَ الْقَمَاقِمِ الْأَكْرَمِينَ،

ای فرزند اقیانوس های سرشار از وجود و نجابت! ای فرزند دریا های بخشش و کرامت!

ای پسر فرزند جودی و سخا

وصف تو برتر بود از شان ما

\*\*\*

يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرِ، يَا بْنَ الشُّرُجِ الْمُضِيئِ،

ای فرزند ماه های روشن و تمام! ای فرزند چراغ های تابان!

زاده اقمار نورانی و پاک

ای ز انوارت جهانی تابناک

چون نماید او دعا بر مضطری

حق نماید استجابت، یاوری

\*\*\*

يَا بْنَ الشُّهَبِ الثَّقِيهِ، يَا بْنَ الْأَنْجَمِ الزَّاهِرِ،

ای فرزند شهاب های درخشان! ای فرزند ستارگان شکوفان!

چون شهاب ثاقب آن اجداد پاک

اختران روشن اندر روی خاک

تو شهاب نافذی در هر زمن

ص: ۵۰



کوکب دری تویی یابن الحسن

\*\*\*

يَا بْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحِ، يَا بْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحِ،

ای فرزند راه های آشکار و عیان! ای فرزند آیه های روشن و روان!

زاده ره های روشن ای پسر

هم نشانی وز نشانهای پدر

\*\*\*

يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلِ، يَا بْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورِ،

ای فرزند دانش های کامل! ای فرزند آیین های مشهور!

ای تو فرزند علوم کامله

سنت معروف و عدل عامله

\*\*\*

يَا بْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورِ، يَا بْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودِ،

ای فرزند نشانه های بین! ای فرزند معجزات موجود! ای فرزند دلایل مشهود!

زاده آثار ایمان در مگاک

نامده ماننده وی در روی خاک

ص: ۵۱

زاده اعجاز موجوده کجاست

جاری احکام قرآن بهر ماست

پیرو کیش امیر مومنان

این زمان غائب بود اندر جهان

\*\*\*

يَا بْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، يَا بْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيَّ حَكِيمِ،

ای فرزند صراط مستقیم! ای فرزند آن خبر خطیر!

آن معرف بر صراط مستقیم

آنکه باشد ابن اخبار عظیم

عالی و اعلیٰ به نزد آن حکیم

هست اندر لوح محفوظ کریم

\*\*\*

يَا بْنَ آيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ،

ای فرزند آن که به صراحت ام الكتاب، نزد خداوند علی حکیم است.

هم نشان های روشن را ولد

مظهر و برهان به الله صمد

\*\*\*

يَا بَيْنَ الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بَيْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ،

ای فرزند حجت های تام و تمام! ای فرزند نعمت های کامل!

زاده برهان واضح مهدی است

حجت حق شاه ناصح مهدی است

\*\*\*

يَا بَيْنَ النُّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَا بَيْنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بَيْنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بَيْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ،

ای فرزند طه و محکمات! ای فرزند «یس و الذاریات»!

نعمت ریزان حق بر مومنان

برترین نعمت ز انعام جهان

زاده یاسین و طور و سابغات

زاده طه و هم والعدایات

صاحب حجت ولی کائنات

.

زاده هم بر محکمات و بینات

\*\*\*

ص: ۵۳

يَا بَيْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى،

ای فرزند «طور و العادیات»!

ای فرزند آن که در شب معراج به خداوند علی اعلی نزدیک شد و آن قدر تقرب یافت که فاصله اش با محبوب به قدر دو سوی یک کمان رسید و نزدیکتر. کاش می دانستم که جای تو کجاست؟

آن پیمبر که بدی خیر البشر

هم بر آن والا گهر بودی پدر

در مقام قرب حق والا مقام

قدر قوسین یا که کمتر در مقام

\*\*\*

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى،

ای فرزند «طور و العادیات»!

کاش می دانستم که هجران تو را

در کجا بنموده از ماها جدا

کی وجود خود نمائی آشکار

ای که هستی خاتم هشت و چهار

\*\*\*

بَلْ أَىٰ أَرْضٍ تَقْلِكُ أَوْ ثَرَىٰ، أِبْرَضُوا أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذَىٰ طَوَىٰ؛

کاش می دانستم که کدامین زمین! کدامین خاک! جای پای توست. آیا تو در کوه رضوی هستی یا جای دیگر؟ تو در «ذی طوی» هستی یا جای دیگر. تو کجایی عزیز دل!؟

در کدامین سرزمین ماوی تو را

در چه کوه و دشت داری تو سرا

ام به رضوانی و یا در غیرها

یا به خاک دیگری یا ذی طوی

\*\*\*

عَزِيزُ عَلَيَّ اَنْ اَزِي الْخُلُقَ وَلَا تُرَىٰ، وَلَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَىٰ،

چه سخت است بر من که همه را ببینم جز تو. چه دشوار است بر من که هیچ ترنمی و صدای نجوایی از تو نشنوم

سخت باشد بر من آزرده جان

که ببینم خلق را روز و شبان

هم نبینم حجت حق را عیان

نشنوم از تو صدایت را نهان

\*\*\*

ص: ۵۵

عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ تُحِيطَ بِكَ دُوْنَى الْبَلُوْی، وَلَا یُنَالُكَ مِنْی ضَجِیْحٌ وَلَا شَكْوٰی

چه شکننده است برای من که غمی تو را، و نه من را، بیازارد، اندوهی تو را، و نه من را احاطه کند و صدای من، هیچ به تو نرسد و فریاد و شکوای من به گوش تو آشنا نگردد.

سخت می آید مرا این ماجرا

از پناه و ملجا ام باشم جدا

نیستم قادر به سمع آن جناب

بر رسانم ناله ها و شکوه ها

\*\*\*

بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ مُعْتَبِرٍ لَمْ یَحُلْ مِنّْٰ،

جانم فدای تو! ای غایبی که ظهور به تو معنا می شود

جان فدای آنکه دائم بین ماست

روی ماهش غائب از این دیده هاست

\*\*\*

بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَّحَ عَنّٰ،

و وجود از تو تجسم می یابد و ... دل های ما همواره آکنده از حضور حیات بخش توست!

جان فدای آنکه تو از ما و ما

ظاهرا دوریم از هم سالها

ص: ۵۶

\*\*\*

بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا

جانم فدای تو! ای والاترین آرزوی هر مشتاق! ای برترین تمنای هر مؤمن!

جان فدای آنکه مشتاقان او

از زنان پاک و مردان نکو

در فراقش جملگی در های و هوی

جز به دیدارش ندارند آرزو

\*\*\*

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزٌّ لَا يُسَامِي

ای گره خورده با کرامتی بی مثال!

جان فدای تو که صاحب عزتی

معدن جود و سخا و نصرتی

\*\*\*

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي

جانم فدای تو ای درخت شکوهمند بی رقیب!

جان به قربانت که اشرف در شرف

اعزز از تو کس نباشد در هدف

\*\*\*

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ نِعَمٍ لَا تُضَاهِي

جانم فدای تو ای سلاله نعمت بی همتا! ای نسل نیکی ماندگار! ای فرزند زیبایی ازلی!

جان به قربانت که باشب نعمتی

در جهان نبود مثال رحمتی

\*\*\*

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي

جانم فدای تو ای نمیه نابرابر شرف و افتخار!

جان به قربانت که در عدل و شرف

کی تواند شد کسی چون تو خلف

\*\*\*

إِلَى مَتِي أَحَارٌ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ

ای عزیز دل! ای آقای من! محبوب من! تا کی در وجود تو حیران بمانم؟

از فراق تا به کی ای سرورم

در تحیر باشم ای تاج سرم

\*\*\*



وَإِلَىٰ مَتَىٰ، وَ أَىٰ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَ أَىٰ نَجْوَىٰ

با کدامین زبان تو را بخوانم؟ با وسعت کدامین دل به تو عشق بورزم؟ با دست های کدامین نجوا به شاخسار عنایت تو  
بیاویزم؟

این زبان الکن ز توصیفت مدام

من چگونه راز گویم صبح و شام

\*\*\*

عَزِيزٌ عَلٰى اَنْ اُجَابَ دُونَكَ وَ اُنَاغَىٰ

چه سخت است بر من که صداهای دیگران در دهلیزهای گوشم بیچد، اما از آوای دل انگیز تو محروم بمانم، شنیدن هر نوایی  
جز پاسخ تو و جز کلام اجابت تو، بر من گران و شکننده است.

سخت باشد گفتگو با غیر تو

یا سرودن غیر ذکر خیر تو

من که با نرمی سخن گویم همی

از چه رو نتوانیم پاسخ دهی

\*\*\*

عَزِيزٌ عَلٰى اَنْ اُبْكِيكَ وَ يَخْذُلُكَ الْوَرَىٰ

چه طاقت سوز است که خلاق دست از یاری ات بدارند و من تنها گریستن را بتوانم.

من به هجرانت بگیریم زار زار

بی خبر مردم، زیادت ای نگار

\*\*\*

عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ يَّجْرِيَ عَلَيْنِكَ دُونَهُمْ مَا جَرٰى

چه مشکل است که بینم آن چه دیگران را سزااست، به تو می گذرد.

سخت می باشد که بینم بگذرد

بر تو احوالی که بر کس نگذرد

\*\*\*

هَلْ مِنْ مُّعِيْنٍ فَاُطِيْلَ مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَالْبُكَاءَ؟

آیا کسی هست که با من همنااله شود؟ آیا کسی هست که من اشکهایم را با گریه هایش پیوند بزنم؟

کاش بودی یاوری تا سر دهیم

ناله طولانی از غم تا رهیم

\*\*\*

هَلْ مِنْ جَزُوْعٍ فَاُسَاعِدَ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا؟

آیا کسی هست که من غریبانه سر بر شانه هایش بگذارم و های های بگیریم؟

هست بی تابی که در حال جزع

من کنم با وی کمک اندر فزع

\*\*\*

هَلْ قَدِيتْ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى؟

آیا شعله هیچ چشمی همزبان اشک های من خواهد شد، آیا مویه های من در این برهوت غربت طنین همراهی خواهد یافت؟

چشم گریانی بود تا چشم من

گردد اندر گریه با وی هم قرن

\*\*\*

هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى؟

ای فرزند احمد! آیا بالاخره راهی به سوی تو هست؟ آیا دیدار تو ممکن است؟

یابن احمد هست راهی سوی تو

تا از آن ره آیم اندر کوی تو

\*\*\*

هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَهُ فَنَحْظِي؟

آیا راهی به رؤیت تو می انجامد؟ آیا این گذران روز های ما، یک روز به تو می رسد.

روز هجر و دوری ات گردد تمام

بهره ور گردند از رویت انام

\*\*\*

مَتَى نَزِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِّيَّةَ فَنَزْوِي؟

آیا تو آمدنی هستی؟ آیا روز تو دیدنی است؟

کی شود گردیم جمله مفتخر

بر عنایات تو ای نور بصر

\*\*\*

مَتَى نَتَتَّقُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدى؟

پس کی از زلال خوشگوار حضور تو می توان نوشید؟ چه طولانی شد این عطش! چه طاقت سوز شد این تشنگی!

کی شویم سیراب از فیض وجود

تشنگی از حد گذشت و تشنه رود

\*\*\*

مَتَى نُغَادِيكَ وَ نُرَاوِحُكَ فَنُقِرُّ عَيْنًا؟

کی می شود صبح ناشتای چشمهایمان را به نگاه تو بگشاییم؟

تشنگان محضرت ای شهریار

آرزو دارند هر لیل و نهار

ختم گردد هر چه زودتر انتظار

دیده روشن گردد از دیدار یار

\*\*\*

مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تُرَى؟

کی می شود چشم در چشم هم اندازیم و تو را به معاینه دیدار کنیم؟ کی می شود پرچم پیروزی ات را بر بام هستی بنشانی؟

ای خوش آن روزی که بینم بر ملا

پرچم فتح و ظفر گشته بیا

\*\*\*

أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَأُمُّ الْمَلَأَ، وَ قَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا؟ وَ أَدَقَّتْ أَعْدَاءُكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا،

کی می شود آن روز که ما تو را در میان خویش بگیریم و تو به عینه امامت کنی، زمین را از عدل و داد پرگردانی، دشمنانت را به خاک سیاه عقوبت بنشانی

گرد تو باشند جمله مردمان

پیشوا تو، مقتدا بر دوستان

پر کنی از عدل و دادت این جهان

پاک بنمائی زمین از مشرکان

تا چشد هر یک و بال کارشان

کیفر و خواری بود بر دشمنان

\*\*\*

ص: ۶۳

وَ أَبْرَتِ الْعُتَاهِ وَ جَحَدَهُ الْحَقِّ، وَ قَطَعَتْ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ اجْتَسَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ،

و ریشه حق ستیزان و مستکبران و گردنکشان و ستمگران را بسوزانی

بر کنی با اذن خلاق جهان

هم بن ظلم و ستم و استمگران

با هلاک سرکشان و منکران

با بریدن ریشه ی مستکبران

\*\*\*

وَ نَخْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ما بگوئیم، الحمد لله رب العالمین.

چونکه آن فرخنده روز آید پدید

گر ملازم بود وعده با وعید

می شود تابان دل از نور امید

عدل، حاکم، ظلم، گردد ناپدید

\*\*\*

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُزْبِ وَالْبُلُوِي،

خدایا! زخم ها به دست تو التیام می پذیرد و اندوه به نگاه تو زایل می شود.

بار الها ما گرفتاریم و زار

در بلاها جمله گردیده دچار

ص: ۶۴

مبتلایان در مصیبت، داغدار

در محن نبود مرا غیر تو یار

\*\*\*

وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى،

تویی که درد را درمان می کنی، تویی که سختی را آسان می کنی. خدایا! تنها در تو توان یآوری است

گرچه می باشیم ما غرق گناه

آمده بر درگه تو عذرخواه

ما کنیم از تو طلب با عشق و شور

دادخواهیم از تو تا روز نشور

\*\*\*

وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ. عُنَيْدَكَ الْمُبْتَلَى،

و من فقط از تو یآوری می جویم که تو خدای دنیا و آخرتی. پس به فریاد این بنده مبتلای درمانده ات برس ای فریاد رس  
درماندگان و مبتلایان!

رب هر دو عالمی اینک به ما

کن توجه اندکی یاری نما

ای تو بر فریاد خواهان دادرس

جز تو ما را نیست کس فریادرس

ص: ۶۵

\*\*\*

وَ أَرِهَ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَ أَزَلَّ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى،

و ... آقای او را به او بنمایان! ای قدرتمند بی همتا!

صاحب قدرت تو و بخشنده بس

حجتت را از تو خواهم نی ز کس

گر ولایت را نمائی آشکار

سوز و غم گردد ز دلها بر کنار

\*\*\*

وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى،

ای خدا! ای که عرش و فرش به فرمان توست! ای که همه راه ها به تو منتهی می شود ای که همه بازگشت ها به سوی توست،  
ای غایت و نهایت هستی!

سرد کن گرمای دل ای کردگار

ای که بر عرش است امرت استوار

هم نزول هر فرشته رحمت است

آمدن شان بهره مند حکمت است

بازگشت کل عالم سوی توست

غایت و پایان کارم کوی توست

\*\*\*



اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْكَ وَبَيْنِكَ،

خدایا! این ماییم بندگان مشتاق ولی تو که بی صبرانه آمدنش را لحظه می شمیریم. آن ولی تو که یاد تو را در ما زنده می کند و حضور تو را در وجود ما تداوم می بخشد.

از تو می خواهیم دیدار ولی

او مذكر باشد از تو هم نبی

\*\*\*

خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا،

ما مشتاق آن پیام آور توایم که وجودش را ملجأ و مرجع همه امید هایمان قرار دادی

آفریدی حجت حق در جهان

حافظ دین، آن امام انس و جان

\*\*\*

وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا،

و او را پناه و پشتیبان ما کردی و دل ما را در آرزوی آمدنش گذاختی و به حضورش گرمی بخشیدی و او را امام همه مؤمنان قرار دادی.

تا شود رهبر برای مومنان

هم پناه و ملجأ و مولایمان

\*\*\*

ص: ۶۷

فَبَلِّغُهُ مِنَّا تَحِيَّهً وَ سَلَامًا، وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا،

خدایا! سلام و درود ما را به او برسان و اکرام و ارادت ما را به او ابلاغ کن.

پس تحیت هم سلام شیعیان

بار الها از کرم بر وی رسان

هم بیافزا باز بر اکرام مان

جاش بنما تو به ما ای لامکان

\*\*\*

وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا،

خدایا! مأمن و او را مأمن و اقامتگاه ما قرار بده

جا و منزلگاه او را در جنان

مستقر کن اندر آنجا شیعیان

\*\*\*

وَ أَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ.

و نعمت را با ظهور او بر ما تمام کن که او می تواند ما را به بهشت هایت وارد کند و همنشینی با شهدای بی آلاشت را نصیب ما گرداند.

چون کنی بر حجت امر قیام

نعمتت را کرده ای بر ما تمام

آوری ما را به جنت در مقام

ص: ۶۸

در کنار شاهدان نیک نام

\*\*\*

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خدایا! بر پیامبرت و اهل بیتش درود فرست.

بر محمد خاتم پیغمبران

رحمتی بفرست بر آن خاندان

\*\*\*

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَ صَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ،

درود فرست بر جد ولیمان محمد (ص)، برترین رسالت و والا-ترین آقای آفرینشت. و درود فرست بر پدر ولیمان، آن آقای برتر از ازل و ابد و کهنتر از محمد (ص).

رحمت بی حد به جد و جد او

مصطفی و مرتضی آباء او

سید اکبر رسول الله بود

سید اصغر ولی الله بود

\*\*\*

ص: ۶۹

وَ جَدَّتِهِ الصَّديقَهُ الْكَبيرِ، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلِيَّ مَنِ اضْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَرَةَ،

و درود فرست بر جده اش صدیقه کبری، فاطمه دختر پیامبر و درود فرست بر پدران برگزیده و نیکوکارش.

هم به زهرا جده اش خیر النساء

هم به پاکان مشترک در یک نیا

\*\*\*

وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ وَ أَتَمُّ وَ أَدْوَمُ وَ أَكْثَرُ وَ أَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا  
غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَ لَا نِهَائَةَ لِمَدَدِهَا، وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا

و درود فرست بر خودش، برترین، تمام و کمال ترین، مستمرترین، بیشترین و بلیغ ترین سلام هایی که بر برگزیده ترین خلق خویش نثار می کنی. از آن سلام ها که نهایت ندارد، که غایت نمی پذیرد. که در حد و حصر نمی گنجد که هرگز به پایان نمی رسد.

بار الها رحمتی بی انتها

بر ولایت از کرم فرما عطا

رحمتی بیش از عدد بی انتها

مهدی موعود را باشد روا

\*\*\*

ص: ۷۰

اللَّهُمَّ وَ أَقِمِّ بِهِ الْحَقَّ وَ أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ،

خدایا! با او علم حق را برافراز و به وسیله او باطل را سرنگون کن.

از وجود او نما حق را به پا

باطل از یمن وجودش کن فنا

\*\*\*

وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَ أذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ،

با او اولیائت را عزت و قدرت و شوکت ببخش و به واسطه او دشمنانت را ذلیل و خوار گردان!

دوستان را مفتخر فرما به او

خوار کن هر کس به او باشد عدو

\*\*\*

وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ، وَ ضَلِّهِ تُوَدِّي إِلَى مُرَافَقِهِ سَلْفِهِ

خدایا! میان ما و او پیوندی برقرار ساز که ما را به رفاقت پیشینیانش وصل گرداند.

دوستی ما بر او کن استوار

تا که پیوندش بماند برقرار

اتصال بین ما و بین او

منتهی گردان به اجداد کبار

ص: ۷۱

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَ يَمُكُّ فِي ظِلِّهِمْ، وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ،

خدایا! ما را از دست به دامنان و سایه نشینان حضرتش قرارده و یاریمان کن تا حقوق او را ادا کنیم و در راه اطاعتش بکوشیم و از نافرمانی اش بپرهیزیم.

بار الها ده به ما این افتخار

در پناه آن شه والاتبار

امر و فرمان تو را اجرا کنیم

در ردیف مخلصین جان نثار

بار الها ده توفیقی به ما

تا بر او باشیم یار و جان فدا

هم ز نافرمانی اش دوری کنیم

هم کنیم از جان و دل حق اش ادا

وَ اٰمِنُنَّ عَلَيْنَا بِرِضَاؤِ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ،

رضای او را بر ما منت گذار. مهر و محبت و خیر و دعا و رحمتش را بر ما ببخش،

بر رضامندیش منت نه به ما

مهر و لطفش را نصیب ما نما

از دعا و خیر خود کن بهره ور

جمله را ای قادر قدرت نما

\*\*\*

مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ،

آن سان که به گستره رحمت تو درآییم و به رستگاری تو نایل شویم.

این همه الطاف تو از رحمت است

فوز بهری نزد تو از کثرت است

بعد توبه باز باب رحمت است

زندگانی بی جمالت زحمت است

\*\*\*

وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا؛

خدا! نمازهایمان را به واسطه او قبول کن! گناهانمان را به او ببخش! به خاطر او دعاهایمان را به استجابت برسان!

بار الها کن قبول از ما نماز

ای کریم و ای رحیم بی نیاز

عفو کن بر ما گناهان ای خدا

ای تو عالم بر ملا و بر خفا

کن دعای جمله، یا رب مستجاب

حرمت مهدی و جد و آل و باب

\*\*\*

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهٖ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنَا بِهٖ مَكْفِيَةً، وَحَوَائِجَنَا بِهٖ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

روزهایمان را به لطف او وسعت بده! به نگاه او ابر غم از آسمان دل‌هایمان ببرا! و به اشارت او نیازها و خواسته‌هایمان را برآور!  
و با روی خوش و مهربانت ما را بپذیر

روزی ما کن فراوان از کرم

بر طرف کن التهاب و هم و غم

حاجت ما کن روا پروردگار

روی بنما سوی ما ای کردگار

\*\*\*

وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ،

و به درگاه خویش راهمان ده! خدایا! با چشم لطف به ما نگاه کن تا در منظر تو کرامت را به کمال رسانیم.

قرب ما بر درگهت کن برقرار

ای خدا ای خالق هشت و چهار

از گناهان و معاصی مان گذر

کن توجه بر من مسکین و زار

تا ز الطافت نصیب ما شود

عزت ایمان و دین استوار

\*\*\*



ثُمَّ لَا تَضْرِبْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ حَيْدَةٍ، صَلِّىَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا، هَنِيئًا سَائِغًا، لَا ظَمًا بَعِيدَةً، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا! به کرمت روی از ما برمگردان و از حوض جَدّ او، جَدّ ولیمان، و به دست او و کاسه او سیرابمان کن! از آن زلال خوشگوار بی نظیر که تشنگی پس از آن معنا ندارد. ای رحیم ترین بخشندگان!

حق جودت عزت از ما بر مدار

کن تو ما را در ره دین پایدار

هم ز دستش جملگی سیراب کن

هم ز جامش مومنین شاداب کن

تشنگی و گرمی روز جزا

بر طرف از شیعیان زان آب کن

ای ز هر بخشنده ای بخشنده تر

ای ز جودت خلقت نوع بشر

از سخا و جود و احسان ای کریم

از گناه جمع اکنون در گذر

ص: ۷۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

